



دانشگاه مازندران  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد حقوق (گرایش حقوق جزا و  
جرمشناسی)

**موضوع:**

بررسی جرم منازعه در نظام کیفری ایران

**استاد راهنما:**

دکتر ابوالحسن شاکری

**استاد مشاور:**

دکتر علی اکبر ایزدی فرد

**نگارش:**

مجید قره گزلو

شهریور ماه ۱۳۸۶



**تقدیم به**

پدر و مادر مهربان و فداکارم که همواره مشوق این حقیر در کسب علم و دانش بوده اند.

و

**تقدیم به**

همسرم که با صبر و شکیبائی خود مسیر تحصیلات اینجانب را هموار کردند.

## **تقدیر و تشکر**

تقدیر و تشکر می نمایم از اساتید محترم جناب آقای دکتر ابوالحسن شاکری که در تدوین این پایان نامه راهنمای اینجانب بوده اند و همچنین جناب آقای دکتر علی اکبر ایزدی فرد که با تلاش بی دریغ خود همواره مشاور اینجانب بوده اند و همچنین تشکر می نمایم از تمامی اساتید دانشکده حقوق دانشگاه مازندران که در طول دوران تحصیل نه تنها علم حقوق ، بلکه درس اخلاق و ادب را به ما آموختند .

## چکیده

جرم منازعه موضوع ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ است که پس از یک دوره سکوت در قوانین قبلی مجدداً در سال ۱۳۷۵ احیاء گردید . با احیاء این جرم ، نواقص و ابهاماتی در آن به چشم می خورد که در بین فقها و حقوقدانان و همچنین مراجع قضائی بحث بر انگیز بوده و اختلافات و تشتت آراء را در پی داشته است . مهمترین این ابهامات ، یکی مشخص بودن و یا نبودن عامل صدمات بدنی در تحقق این جرم است که عده ای معتقدند مشخص نبودن عامل صدمه از شرایط تحقق جرم است و چنانچه عامل صدمه مشخص باشد جرم منازعه و شرکت در آن منتفی و جانی طبق مقررات عمومی مربوط به جنایات عمدی محاکمه و محکوم خواهد شد . در مقابل عده ای دیگر نظر خلاف دارند و معتقد به اطلاق ماده در اینخصوص می باشند .

از دیگر ابهامات ماده مزبور ، چگونگی جبران خسارت از زیان دیده در منازعاتی است که مرتکب اصلی صدمات آنها مشخص نیست و تکلیف مسئول پرداخت خسارت (دیه ) و روش تعیین آن مشخص نشده است . نظرات مختلفی از سوی مراجع رسمی کشور و نیز فقها و حقوقدانان مطرح شده است : مسئولیت بیت المال ، اجرای قاعده فقهی قرعه ، اخذ بالسویه دیه از متنازعين . در این پایان نامه در بخش اول کلیات و تعاریف جرم منازعه و در بخش دوم ارکان تشکیل دهنده جرم و مسائل مربوط به این ارکان مورد بررسی قرار گرفته است و در بخش سوم که مربوط به مسئولیتهای کیفری و مدنی جرم مذکور است جایگاه هر یک از نظرات فوق و حدود اعتبار این نظریات در موضوع مربوط مشخص گردیده است .

## فهرست عناوین

صفحه	عنوان	مقدمه
۱	مقدمه	۱
<b>بخش اول : کلیات و تعاریف</b>		
۶	فصل اول: سابقه قانون گذاری	۶
۶	۱-قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴	۶
۶	۲-قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰	۶
۷	۳-قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵	۷
۹	فصل دوم: تعریف جرم	۹
۱۱	فصل سوم: حیثیت عمومی جرم منازعه و تحریک احساسات عمومی جامعه	۱۱
<b>بخش دوم : ارکان متشکله جرم منازعه</b>		
۱۴	فصل اول: رکن قانونی	۱۴
۱۵	۱- ماده ۶۱۵ ق.م.ا	۱۵
۱۵	۲- ماده ۳۹۱ قانون دادرسی و کیفر ارتش	۱۵
۱۶	۳- لایحه مجازات حمل چاقو	۱۶
۱۷	فصل دوم: رکن مادی	۱۷
۱۷	مبحث اول: رفتار مادی فیزیکی	۱۷
۱۸	۱- زد و خورد	۱۸
۱۹	۲- منازعه عملی (فیزیکی)	۱۹
۲۲	مبحث دوم: اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم	۲۲
۲۲	۱- منجر شدن نزاع به صدمات بدنی	۲۲
۲۲	۲- وقوع صدمه در اثناء یا حین منازعه	۲۲
۲۳	۳- تعداد شرکت کنندگان در نزاع	۲۳
۲۴	۴- علنی بودن منازعه	۲۴
۲۵	۵- مشخص بودن یا نبودن عامل صدمه	۲۵
۲۷	۶- معین بودن اشخاص درگیر	۲۷
۲۹	۷- تقابلی بودن نزاع	۲۹
۳۰	۸- شخصیت مجنی علیه	۳۰
۳۱	۹- رابطه علیت	۳۱
۳۹	مبحث سوم : نتیجه حاصله	۳۹
۴۴	مبحث چهارم : شروع به جرم منازعه	۴۴
۴۶	فصل سوم: رکن روانی	۴۶
۴۹	فصل چهارم: دفاع مشروع در منازعه	۴۹
۵۳	فصل پنجم : همکاری در ارتکاب جرم	۵۳
۵۳	مبحث اول: شرکت در نزاع	۵۳
۵۴	مبحث دوم: معاونت در نزاع	۵۴
۵۷	فصل ششم : تعدد جرم	۵۷

**بخش سوم: مسئولیت‌های مربوط به جرم منازعه**

۶۱	<b>فصل اول : مسئولیت کیفری</b>
۶۳	مبحث اول : حبس
۶۴	مبحث دوم: قصاص
۶۷	دلایل سقوط قصاص
۶۷	۱-قاعده درء
۷۰	۲-احتیاط در حفظ دماء
۷۰	۳-رابطه علیت
۷۱	<b>فصل دوم: مسئولیت مدنی(دیه)</b>
۷۱	مبحث اول : دیه
۷۲	گفتار اول: ماهیت دیه
۷۳	گفتار دوم : امکان مطالبه
۷۳	الف-طرح عقاید
۷۸	ب-جایگاه مسئله در علم اصول فقه
۸۰	گفتار سوم: نحوه پرداخت دیه
۸۲	الف- طرح مسئله در علم اصول فقه
۸۶	ب- روشهای ارائه شده در نحوه پرداخت
۸۶	۱- پرداخت از بیت المال
۹۱	۲- اجرای قاعده قرعه و تعیین مسئول
۹۱	الف- تعریف قرعه
۹۱	ب- حکمت قرعه
۹۱	ج- مستندات قرعه
۹۳	د- مجرای قرعه
۹۵	ه- رخصت یا عزیمت قرعه
۹۶	و- اصل یا اماره بودن قرعه
۹۷	ز- قرعه در جرم منازعه
۱۰۰	۳- اخذ بالسویه از متنازعین
۱۰۷	گفتار چهارم: مسئولیت مجنی علیه
۱۰۸	شرایط تاثیر تقصیر مجنی علیه
۱۰۹	۱-تقصیر
۱۰۹	۲-انتساب عمل به مجنی علیه
۱۱۰	۳-رابطه علیت
۱۱۰	مبحث دوم: نحوه تقسیم دیه
۱۱۰	معیار تقسیم
۱۱۰	الف: تقسیم بر اساس صلاحدید دادرس
۱۱۱	ب: تقسیم مسئولیت بر اساس انصاف و عدالت
۱۱۲	ج: تقسیم مسئولیت بر اساس درجه تقصیر
۱۱۲	د : تقسیم مسئولیت بر اساس درجه تاثیر
۱۱۴	ه: تقسیم مسئولیت به تساوی
۱۱۶	نتیجه گیری بخش دوم
۱۱۸	پیشنهادات





## ۱- طرح موضوع

جرم منازعه یا شرکت در آن از زمره جرائم علیه اشخاص است که قانونگذار در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در ماده ۶۱۵ آنرا جرمی مستقل از ایراد ضرب و جرح برشمرده و تمام متداخلین را به صرف دخالت که منجر به یکی از صدمات مندرج در ماده می باشد را حسب مورد مستوجب مجازات می داند خواه صدمات وارده توسط تمام آنها صورت گرفته باشد یا خیر.

فلسفه ممنوعیت و جرم انگاری چنین دخالتی ، جنبه عمومی آن یعنی جلوگیری از اخلال در نظم عمومی است. چه بسا درگیریهای دسته جمعی و قبایله ای موجب ارباب و وحشت دیگران و سلب آسایش و امنیت عمومی و نتایج غیر قابل جبران نفسی و اقتصادی و امنیتی است. این جرم از زمانهای بسیار دور در بین جوامع بشری وجود داشته و اغلب علت این درگیریها ضعف و فقر فرهنگی یا کمبود مسائل اقتصادی و اجتماعی است. امروزه نیز عواملی چون خصوصیات محیطی ، قومی و فردی در بروز این جرم موثر بوده و بر روی بزه دیده و اشخاصی که ناظر چنین صحنه های خشونت آمیزی هستند آثار مختلفی می گذارد.

درگیریهای دسته جمعی به هر دلیلی که باشد در جوامعی که دارای حکومت مرکزی است عملی مذموم و خلاف نظم اجتماعی است و در تمام جوامع بشری محکوم است چرا که جایی که طرق مسالمت آمیز و در نهایت توسل به قوای عمومی جهت احقاق حق از گزینه های مورد پذیرش جامعه و حکومت است ، توسل به خشونت نمی تواند توجیهی منطقی داشته باشد. از اینرو واضعین اولیه قوانین بنابر احتیاجات ، این اعمال خشونت آمیز را که با منافع خصوصی افراد و مصالح عمومی جامعه مغایرت دارد با شرایط معین جرم دانسته و در قالب قوانین مورد تعقیب قرار داده اند . منازعه از جمله جرائمی است که از ابتدای قانونگذاری ایران در قوانین کیفری سابقه داشته است . ماده ۱۷۵ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ به این جرم اختصاص داشت . پس از انقلاب اسلامی قانون تعزیرات

۱۳۶۲ ذکری از آن به میان نیاورد تا اینکه در سال ۱۳۷۵ طی ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی مجدداً احیا شد.

این ماده قانونی مجازاتهای حبس، قصاص و دیه را حسب مورد در خصوص شرکت کنندگان در نزاع مقرر نموده است. حبس بلحاظ صرف دخالت در نزاع که منجر به یکی از نتایج مندرج در ماده فوق شود. قصاص بلحاظ ایراد صدمه عمدی که عامل آن شخصاً معلوم و دیه نیز بلحاظ ایراد صدمات غیر عمدی یا موارد مشتبه بویژه مواردی که صدماتی از قبیل قتل نفس، جرح یا ضربی به احدی از متداخلین یا ثالثی وارد اما قاضی در تعیین عامل مصداق صدمه در میان عده ای محصور علیرغم تحقیقات گسترده به نتیجه ای دست نیافته است.

صرف نظر از اینکه منازعه فعلی در قانون مجازات اسلامی با منازعه مذکور در قانون مجازات عمومی تفاوتی از لحاظ ارکان اختصاصی جرم دارد، موضوع بحث برانگیز که اختلافات عدیده ای به دنبال داشته نحوه اعمال تبصره ۲ ماده ۶۱۵ فعلی در منازعاتی است که مرتکب اصلی صدمات در آنها مشخص نیست و صرفاً علم اجمالی بر وقوع صدمه از طرف یکی از متنازعين وجود دارد. در این ماده قانونگذار تکلیف (حکم به پرداخت دیه) را بیان اما از مصداق تکلیف خودداری نموده است به عبارتی ساده تر در منازعه ای که چند نفر بخصوص در آن شرکت داشته فرضاً قتلی اتفاق افتاده قاضی در مقام تحقیق به هیچ طریقی شرعی و قانونی حتی به طریق لوث نتوانسته قاتل را شخصاً معین کند در چنین وضعیتی تکلیف قاضی چیست و بر چه اساسی می بایست حکم به پرداخت دیه بدهد؟ قاضی که بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی مکلف به رسیدگی و صدور حکم در دعوی مطروحه است و می بایست حکم قضیه را از میان قوانین استخراج نماید اما در این خصوص با خلأ نص مواجه می شود. (نص در خصوص کیفیت پرداخت دیه در نزاعی که منجر به یکی از نتایج سه گانه قتل، نقص عضو یا ضرب و جرح شده است.) چنانچه قاضی صادر کننده حکم نتواند حکم قضیه را در میان قوانین موضوعه استخراج نماید به تکلیف همین اصل می بایست حکم قضیه را از میان فتاوی معتبر یا منابع معتبر اسلامی بیابد و با اصدار آن به منازعه خاتمه دهد. با

تحقیق و فحوص در منابع معتبر اسلامی و فتاوی مختلف همچنان که بیان خواهد شد ، جواب صریح و واضحی در خصوص مورد یافت نمی شود تا بتوان با استناد به آن حکم قضیه را استخراج نمود . بنابراین چاره چیست ؟ به جرأت می توان گفت این مسأله یکی از پیچیده ترین مسائل فقهی و حقوقی است به گونه ای که در نظام فقهی و حقوقی و منابع معتبر تحقیق شده ، منبع مستندی که پاسخ روشنی برای آن داشته باشد یافت نمی شود .

در میان مراجع مختلف قضائی ، فقها و حقوقدانان نظرهای مختلفی در این خصوص ابراز شده است . برخی مورد را از موارد مسئولیت بیت المال می دانند ، برخی این حالت را از مصادیق لوٹ و اجرای مراسم قسامه قلمداد می کنند و عده ای هم قائل به مسئولیت متنازعین هستند . النهایه در دسته اخیر برخی معتقد به تعیین مسئول از طریق قرعه بوده و برخی به تقسیم مسئولیت بین متنازعین نظر داده اند . در این پایان نامه که مشتمل بر سه بخش است سعی می شود تا ارکان جرم منازعه و مجازاتهای مقرر در ماده ۶۱۵ ق.م.ا و بیان نظرات مختلف در خصوص مسئول پرداخت دیه در منازعه ای که عامل صدمه مشخص نیست بررسی شود .

## ۲-سوالات پژوهش

- ۱- آیا مشخص نبودن عامل صدمه در جرم مذکور شرط است ؟
- ۲- در منازعه ای که عامل صدمه مشخص نیست چه کسی مسئول پرداخت دیه است ؟ دولت یا متنازعین ؟
- ۳- اگر متنازعین مسئول باشند کدامیک از آنها باید جبران خسارت کنند ؟ همه آنها یا احد از آنان به قید قرعه ؟
- ۴- کدام روش با عدالت کیفری و روح قانون و سیاست جنائی و حقوق متهم سازگاری بیشتری دارد ؟

### ۳- فرضیات پژوهش

فرضیات مطرح شده در این پایان نامه که در صدد اثبات آن هستیم عبارتند از:

- ۱- در نظام کیفری فعلی ایران "مشخص نبودن عامل صدمه" شرط تحقق جرم منازعه نیست.
- ۲- پرداخت دیه از طرف بیت المال در خصوص مورد مستندی نخواهد داشت.
- ۳- مطالبه دیه با اخذ از احد آنان به قید قرعه مخالف با روح قانون و عدل و انصاف است.
- ۴- مطالبه دیه با اخذ بالسویه از همه متنازعین با عدالت کیفری و روح قانون و سیاست جنائی و حقوق متهم سازگاری بیشتری دارد و بهتر می تواند در قالب ارکان مسئولیت مدنی ذهن کنجکاو را قانع سازد.

### ۴- حدود پژوهش

در این پژوهش پس از طرح و بررسی نظرات مختلف در خصوص مورد با توجه به موازین فقهی و حقوقی مستنداً به تقویت نظر برتر می پردازیم.

### ۵- اهداف پژوهش

هدف از این پژوهش، بررسی مسئول پرداخت دیه در جرم منازعه ای که عامل صدمه در آن مشخص نیست از طریق موازین اصولی و فقهی و حقوقی و همچنین بیان نواقص و نارسائیهای موجود در قوانین کیفری در خصوص این موضوع و نهایتاً بیان پیشنهاداتی چند برای جلب توجه قانونگذار جهت اصلاح مواد ۳۱۵ و ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی است.

# بخش اول:

## کلیات و تعاریف

## فصل اول- سابقه قانون گذاری

### ۱- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴

جرم منازعه برای اولین بار در تاریخ سوم خرداد ۱۳۱۳ در دو ماده ۱۷۵ و ۱۷۵ مکرر به قانون مجازات عمومی الحاق گردید . ماده ۱۷۵ در مورد جرم منازعه و ماده ۱۷۵ مکرر ، درباره دخالت عمدی چند نفر در ایراد ضرب و جرح و قتل دیگری پیش بینی شده بود .

ماده ۱۷۵ این قانون مقرر می داشت : "هرگاه در اثنای منازعه که چند نفر بخصوص در آن مشارکت داشته اند ، قتل یا ضرب یا جرح واقع شود و مرتکب شخصاً معلوم نباشد هر یک از آنها در صورت وقوع قتل به یک الی سه سال و در صورت وقوع جرح به سه الی یک سال و در صورت ضرب به سه الی شش ماه حبس تأدیبی محکوم می شوند." در این ماده مسئولیت کیفری شرکت کنندگان در نزاع مشروط به معلوم نبودن عامل صدمه است همچنانکه اگر عامل صدمه معلوم باشد سایر شرکت کنندگان مسئولیتی نخواهند داشت .

### ۲- قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۶۱ و بخش تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ و قانون

#### مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰

در قانون حدود و قصاص مصوب شهریور ماه ۱۳۶۱ و بخش دیات قانون مجازات اسلامی مصوب آذر ماه ۱۳۶۱ و همچنین بخش تعزیرات مصوب مرداد ماه سال ۱۳۶۲ اشارهای نسبت به جرم منازعه نشده بود . این مساله باعث سردرگمی قضات و عدم وجود یک رویه ثابت و تردید در اعتبار یا عدم اعتبار ماده ۱۷۵ قانون مجازات عمومی گردیده بود . قضات از اداره حقوقی وزارت دادگستری راجع به اعتبار یا عدم اعتبار ماده مرقوم استفسار نمودند که اداره مزبور به موجب نظریه شماره ۷/۵۳۰۷-۶۲/۱۲/۲۱ نظر داد که : "مقررات ماده ۱۷۵ قانون مجازات عمومی راجع به شرکت در منازعه مغایرتی با قوانین قصاص و حدود و دیات و تعزیرات و سایر مقررات اخیر التصویب ندارد تا ضمناً یا صریحاً نسخ شده باشد ، لذا با توجه به نظریه فقهای شورای نگهبان اجرای آن بدون اشکال است اما در

خصوص قتل که در اثنای منازعه واقع شده است در صورت شناخته شدن قاتل واقعی مورد مشمول ماده ۴۲ قانون حدود و قصاص است و تعارضی بین این ماده و ماده ۱۷۵ قانون مجازات عمومی مشاهده نمی شود. ضمناً باید توجه داشت که در صورت تعارض امارات ظنی بر طبق تبصره ماده ۳۷ قانون قصاص حکم قسامه ساقط و موضوع مشمول قسمت اول ماده ۴۲ می شود<sup>۱</sup>.

در سال ۱۳۷۰ که قانون مجازات اسلامی ناسخ و جایگزین قانون حدود و قصاص و دیات گردید، بار دیگر این سکوت ادامه داشت و اداره حقوقی دادگستری طبق نظر سابق خود اعمال ماده ۱۷۵ قانون مجازات عمومی را معتبر دانست.

با تصویب کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تحت عنوان تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده قانونگذار سکوت را شکسته و در ماده ۶۱۵ همان قانون متعرض به جرم منازعه گردید و با تغییراتی در شرایط و ارکان جرم، قضات را از ابهام و سردرگمی درآورد و رویه ثابتی برای جرم تلقی نمودن شرکت در منازعه پیش بینی نموده است. علیرغم آن نواقص زیادی هنوز در ماده مرقوم مشاهده می شود و همین احساس نواقص باعث تقریر این رساله گردیده است.

### ۳- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵

نیاز به تدوین ماده ای خاص جهت جلوگیری از تهاافت آراء و بیرون آوردن قضات از سردرگمی قانونگذار را بر آن داشت تا در قانون مصوب ۱۳۷۵ در ماده ۶۱۵ ارکان و مجازات جرم منازعه را تدوین نماید و خلأ ناشی از آنرا پر نماید. ماده فوق الذکر چنین مقرر می دارد: "هرگاه عده ای با یکدیگر منازعه نمایند، هر یک از شرکت کنندگان در نزاع حسب مورد به مجازات زیر محکوم می شوند:

- ۱- در صورتی که نزاع منتهی به قتل شود به حبس از یک تا سه سال
- ۲- در صورتی که منتهی به نقص عضو شود به حبس از شش ماه تا سه سال
- ۳- در صورتی که منتهی به ضرب و جرح شود به حبس از سه ماه تا یک سال

۱- غلامرضا شهری و سروش جهرمی (گردآورنده) نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری (از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۱) انتشارات روزنامه رسمی کشور، تهران ۱۳۷۳، ج اول، ص ۲۹۲

- تبصره ۱ در صورتی که اقدام شخص دفاع مشروع تشخیص داده شود مشمول این ماده نخواهد بود .
- تبصره ۲ مجازاتهای فوق مانع اجرای مقررات قصاص یا دیه حسب مورد نخواهد شد .
- شرایط تشکیل دهنده جرم در این قانون با ماده ۱۷۵ ق.م.ع از جهاتی اختلاف دارد که در زیر به نحو اختصار بیان می گردد .
- ۱- در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ قانونگذار یک تبصره به ماده اضافه نمود و آن اینکه "مجازاتهای فوق مانع اجرای مقررات قصاص یا دیه حسب مورد نخواهد بود ."
- عنایت به سیاق ماده ۱۷۵ که مشخص نبودن عامل صدمه را شرط تحقق جرم می دانست مقررات تبصره را منتفی می کرد زیرا چنانچه عامل صدمه مشخص نبود بنابراین علتی برای "قصاص" وجود نداشت حال آنکه در ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی که "چه عامل صدمه مشخص باشد یا نباشد" جرم محقق است بنابراین چنانچه مرتکب قتل یا ضرب یا جرح معلوم باشد طبق قواعد مربوط به قصاص ، قصاص می شود .
- ۲- در ماده ۱۷۵ قانون مجازات عمومی نتایج بدست آمده در نزاع منوط به این است که در "اثناء منازعه" بوجود آید حال آنکه قید "در اثناء منازعه" در ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی حذف گردیده است .
- شایان ذکر است که قید نکردن عنوان "در اثناء منازعه" در ماده ۶۱۵ حمل بر مسامحه قانونگذار است وگرنه چنانچه نتایج حاصله خارج از منازعه صورت گرفته باشد با عنایت به "رابطه علیت" نمی توان جرم منازعه را محقق دانست .
- ۳- ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی صرف شرکت در منازعه را جرم و مستوجب کیفر می داند چه عامل صدمه مشخص باشد چه مشخص نباشد در حالی که در ماده ۱۷۵ مسئولیت کیفری شرکت کنندگان منوط به مشخص نبودن عامل صدمه بود و چنانچه مرتکب صدمات معلوم و مشخص نبود هیچگونه مسئولیت کیفری بر سایر شرکت کنندگان مترتب نبود و مرتکب طبق مقررات مربوط به قصاص و دیات مسئولیت داشت .



۴- برخلاف ماده ۱۷۵ در ماده ۶۱۵ بین "جرح" و "ضرب" حاصل از نزاع، از جهت مجازات تفاوتی نیست در حالیکه در ماده ۱۷۵ مجازات این دو نتیجه متفاوت بود.

۵- در ماده ۶۱۵ دامنه شمول جرم از جهت نتیجه حاصله نیز گسترش یافته و "نقص عضو" نیز به نتایج حاصله افزود شده که این مبین عنایت قانونگذار اسلامی به این نوع صدمه است که طبیعتاً آثار آن شدیدتر از ضرب و جرح است.

### فصل دوم- تعریف جرم

قانونگذار در ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی منازعه را تعریف نکرده و صرفاً به نتایج حاصل از منازعه و میزان مجازات آن اکتفا کرده است. برای تعریف دقیق این جرم می بایست به سیاق ماده و منظور قانونگذار دقت خاصی ابراز گردد.

منازعه بر وزن مفاعله و از ریشه "نزاع" به معنای ستیزه کردن و خصومت کردن می باشد.<sup>۲</sup>

برای تعریف دقیق جرم منازعه ابتدا می بایست نکات زیر را مورد بررسی قرار داد:

۱- تعداد شرکت کنندگان در نزاع:

در ماده ۱۷۵ سابق عبارت "چند نفر بخصوص" بکار رفته بود اما مشخص نبود که منظور چه تعداد از افراد می باشد. قانونگذار با حذف کلمه "چند نفر" در ماده ۶۱۵ از کلمه "عده ای" استفاده نموده که به نظر می رسد که منظور و مقصود به بیش از دو نفر می باشد زیرا "چند نفر" در زبان فارسی معمولاً به بیش از یک نفر گفته می شود و عده ای نیز به بیش از دو نفر.

۲- درگیری باید فیزیکی باشد نه لفظی.

ابتدا ممکن است چنین به نظر برسد که چون فلسفه مجرمانه بودن عمل منازعه از یکسو حفظ نظم عمومی و جلوگیری از اخلال در نظم است بنابراین در منازعه لفظی هم این آثار برآن مترتب است اما با کمی دقت در سیاق ماده ۶۱۵ متوجه خواهیم شد که صرف درگیری لفظی را نمی توان مشمول ماده

<sup>۲</sup> فرهنگ فارس معین، چاپ هفتم، انتشارات معین، ص ۱۰۹۳

۶۱۵ دانست و متنازعین را حسب مورد به مجازاتهای مقرر در ماده مرقوم محکوم نمود زیرا جرم منازعه جرمی است مقید و منوط به حصول نتایج مندرج در ماده (قتل، ضرب، جرح و...) .

در مساله معنونه یک طریقه وجود دارد که ممکن است درگیری لفظی با حصول نتایج مندرج در ماده رابطه علیت داشته باشد و در این صورت عمل فوق را منازعه و شرکت کنندگان را مجرم و مستوجب کیفر دانست . به عنوان مثال ممکن است در یک درگیری لفظی کسی دیگری را بترساند و موجب فرار او گردد و آن شخص در حال فرار خود را از جای بلندی پرت کند و بمیرد و در این صورت چنانچه آن ترساندن موجب زوال اراده و اختیار و مانع تصمیم او گردد چنین عملی جرم و مستوجب مجازات است کما اینکه ماده ۳۲۶ قانون مجازات اسلامی در بخش دیات با طرح چنین مساله ای ترساننده را ضامن می داند .

### ۳- نحوه درگیری

ممکن است ابتدا چنین به ذهن متبادر شود که منازعه باید با گلاویز شدن همراه باشد اما به نظر صحیح نمی باشد کما اینکه ممکن است در یک درگیری قبیله ای افراد با جبهه گیری در مقابل یکدیگر و استفاده از سلاحهای سرد و گرم و یا پرتاب اشیاء موجب ایراد صدمات به یکدیگر شوند .

### ۴- علنی بودن نزاع

شاید با توجه به فلسفه ممنوعیت منازعه که حفظ نظم عمومی است چنین به نظر برسد که هرگاه منازعه (مثلاً) در یک محیط خانوادگی باشد نظیر درگیری افراد یک خانواده با یکدیگر که منتهی به نتایج مذکور شود عمل ارتكابی را نتوان شرکت در منازعه دانست و احتمال دیگر در اینجا آن است که اصالةالظهور و عدم وجود قید، مورد اخیر را نیز مشمول عنوان شرکت در نزاع می نماید . فلذا نزاع دسته جمعی عملی است که صلاحیت و قدرت بر هم زدن نظم عمومی را دارد گرچه در عمل منجر به آن نشود.<sup>۳</sup>

با عنایت به مراتب فوق و مفاد ماده ۶۱۵ ق.م.ا می توان چنین تعریفی را از منازعه ارائه داد:

۱- به نقل از شکر، رضا، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، نشر مهاجر، چاپ پنجم، ۱۳۸۶، ص ۶۲۶

" درگیری جسمانی غیر قانونی میان بیش از دو نفر به صورت علنی که منجر به یکی از صدمات جسمانی قتل یا نقص عضو و یا ضرب و جرح یک یا چند نفر از طرفین درگیر شود." جهت تحقق جرم ، درگیری می بایست غیر قانونی باشد و افراد درگیر هیچگونه مجوزی برای دخالت نداشته باشند که البته در این خصوص قانون در مورد دفاع مشروع استثناء قائل شده بر این مبنا که چنانچه طرف درگیر با عنایت به شرایط مندرج در ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی در مقام دفاع از جان و مال و حیثیت و شرف و ... وارد درگیری شوند عنوان مجرمانه به مدافعین ساقط و مهاجمین را می توان بر اساس مقررات مربوط به ایراد ضرب و جرح محاکمه نمود .

همچنین چنانچه درگیری میان عده ای از افراد با نیروهای انتظامی که در حین انجام وظیفه می باشند صورت پذیرد چنین درگیری را نمی توان منازعه محسوب کرد زیرا بدیهی است درگیری طرفین باید غیر قانونی باشد و مقاومت چنین افراد با نیروهای دولتی و انتظامی حسب ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی جرم تَمَرّد خواهد بود .

### **فصل سوم - حیثیت عمومی جرم منازعه و تحریک احساسات عمومی جامعه**

جرم ایراد صدمه در حین منازعه از جرائمی است که به تمامیت جسمانی دیگری آسیب می رساند و در زمره جرائم علیه اشخاص می باشد . علیرغم آن صرفاً فرد نیست که در یک درگیری و مخاصمه متضرر می شود بلکه جامعه نیز در قبال آن دچار صدمات جبران ناپذیر می شود و به علت پیش بینی همین آثار سوء مخاصمه در جامعه است که قانونگذار صرف شرکت در منازعه منجر به صدمه را جرم و قابل مجازات می داند چرا که آثار سوئی منجمله اخلال در نظم عمومی ، سلب آسایش عمومی ، ایجاد رعب و وحشت را بدنبال خواهد داشت . بنابراین نزاع دسته جمعی از جمله اعمالی است که قابلیت و قدرت برهم زدن نظم عمومی را دارد . اکثر جرائم یک خصیصه کلی دارند و آن ضرر است که به طور غیر مستقیم یا مستقیم به کل جامعه وارد می کند و این ضرر از طریق ایجاد رعب و هراس و از بین بردن نظم عمومی است و به خاطر حیثیت عمومی جرائم است که حتی حقوقدانان اسلامی نیز به آن صحه گذاشته اند و تا آنجا که جنبه عمومی جرائم را در آنها اقوا می دانسته اند . برای مثال زرقانی از

فقهای اهل سنت جمله ای دارد تحت عنوان " ما من حق لآدمی الا والله فیه حق " حق الناسی وجود ندارد مگر اینکه در آن حق الهی باشد.<sup>۴</sup>

جرائم از حیث نحوه تعقیب به چند گروه تقسیم می شوند:

۱- جرائمی که با شکایت شاکی خصوصی تعقیب و با گذشت شاکی خصوصی متوقف می گردند مانند صدور چک بلامحل و سایر جرائم مندرج در ماده ۷۲۷ق.م.ا.

۲- جرائمی که با شکایت شاکی خصوصی شروع اما با گذشت شاکی خصوصی پرونده امر موقوف نمی گردد و گذشت شاکی خصوصی صرفاً می تواند حسب ماده ۲۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری و بند ۱ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی از موجبات تخفیف باشد مانند جرائمی غیر از جرائم مندرج در ماده ۷۲۷ق.م.ا.

۳- جرائمی که جهت تعقیب نیازی به شکایت شاکی خصوصی ندارد و گذشت شاکی خصوصی در مجازات تأثیری نخواهد داشت . مانند جرائم حق الهی از قبیل زنا و لواط و شرب خمر و ... و شکایت شاکی خصوصی صرفاً از باب اعلام جرم به دادستان می باشد .

همچنانکه ذکر شد جرم منازعه از جرائم علیه اشخاص است اما علیرغم آن حق جامعه نیز در آن ارجحیت دارد و با گذشت زیان دیده و توافق طرفین مخاصمه می تواند قضات دادگستری را بر تخفیف مجازات چه از باب کاهش مجازات و چه از باب تبدیل هدایت نماید .

\*\*\*\*\*

۱- میرمحمد صادقی، حسین، جرائم علیه اموال و مالکیت، نشر میزان، چاپ هشتم، تابستان ۱۳۸۰، ص ۴۸